



رابطه دستور و علوم معارف زبانی با زبان آموزی

در زمان ما دونوع مبالغه درباره دستور زبان میشود یکی از طرف کسانی که آنرا فن درست گفتن و درست نوشتن تعریف می کنند و مهمترین عامل زبان آموزش می دانند و آن را بزرگترین وسیله حفظ زبان می انگارند . دیگر از طرف آنهایی که دستور را در زبان آموزی و درست نویسی بی تأثیر می پندارند و وجود و عدمش را در آموزش زبان یکسان می دانند ولی شك نیست که این هر دو نظریه افراطی و تندروانه است زیرا نه دستور زبان فن درست گفتن و درست نوشتن است بخصوص اگر دستور بر پایه نظریات عمومی زبان نوشته شده باشد و نه علم نیست زائد و بی مصرف که باید آن را بدور ریخت و مسا این مقاله را که درباره فوائد و هدفهای دستور زبان و علوم و معارف زبانیست برای روشن کردن این مطلب می نویسیم ولی برای این منظور چند موضوع را هم به عنوان مقدمه یادآوری می کنیم :

- ۱- آیا علوم و معارف زبان منحصر به دستور است ۲- گونه ها و جلوه های زبان ۳- مواد و عناصر زبان ۴- کیفیت زبان آموزی. اینک شرح هر یک از این موارد :
- ۱- گونه های زبان - زبان آموزی انواعی دارد از قبیل آموزش زبان گفتار، آموزش زبان رسمی حال مادری ، تعلیم زبان رسمی گذشته مادری .

* آقای دکتر خسرو فرشیدورد استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از صاحب نظران و شاعران نامدار معاصر.

از این بیان چنین برمی آید که زبان اعم از زبان مادری یا بیگانه چیزی یکپارچه نیست و اقسامی دارد از قبیل زبان گفتار و زبان نوشتار و زبان قدیم و جدید و همچنین زبان مادری و بیگانه .

بگفته زبان‌شناسان زبان دارای جلوه‌ها و گونه‌هاییست و تأثیر دستور را در آموزش هر یک از آنها باید جداگانه مطالعه کرد.

۲ - عناصر و مواد زبان - عناصر و مواد زبان را بعضی از زبان‌شناسان به سه دسته برخی دیگر به دو دسته تقسیم می‌کنند عده‌ای این عناصر را شامل عناصر صوتی و دستوری و لغوی (واژگان) یعنی بر سه قسم میدانند و عده دیگر مسائل صوتی و آوایی را جزء دستور می‌آورند و عناصر تشکیل دهنده زبان را به عناصر لغوی (واژگان) و دستوری تقسیم می‌کنند که نگارنده با تقسیم بندی اخیر موافق تر است زیرا اصوات زبان را می‌توان جزء عناصر دستوری آن شمرد .

تفاوت عناصر لغوی با عناصر دستوری و صوتی در اینست که عناصر دسته اخیر محدودند یعنی مثلاً تعداد حروف و واجهای زبان و اقسام تکیه و هجا و آهنگ و درنگ در زبان محدود و گاهی قابل شمارش است و همچنین عناصر دستوری یعنی حروف اضافه و حروف ربط و پیشوندها و پسوندها نیز در هر زبانی محدودند به این سبب به این عناصر عناصر بسته یا عناصر دستوری^۱ یا عناصر نقش‌نما^۲ می‌گویند در حالی که عناصر لغوی زبان تقریباً نامحدودند و شمارش آنها غیر ممکنست مثلاً شمارش اسمها و صفات بیانی و قیده در زبان دشوار است . به این سبب فرا گرفتن واژگان و عناصر لغوی زبان به سبب آنکه نامحدود و پر شمارند مشکلست و چنین کاری مستلزم سال‌ها مهارت و تمرین در زبانست و تازه بعد از سال‌ها مهارت هیچکس نمی‌تواند همه لغات و تعبيرات و ترکیبات زبان را حتی اگر زبان مادری او باشد بیاموزد در حالی که عناصر دستوری چون محدودند در نتیجه سخن گفتن بسیار و مطالعه زبان بزودی آموخته می‌شوند بخصوص اگر ، با فرا گرفتن اطلاعات نظری یعنی با قواعد دستوری و زبان‌شناسی توأم باشند بنابراین مشکلترین بخش زبان از نظر آموزش دستگاه نامحدود واژگان آنست نه عناصر محدود دستوری به این سبب برای تسلط بر زبان رسمی مادری که دامنه وسیعی دارد و شامل لغات علمی ، ادبی ، فنی و هنری فراوانیست باید سالها مطالعه کرد و البته دستور و قواعد دیگر زبان در این امر به انسان یاری می‌کند بخصوص در مواردی که این قواعد مربوط به لغات مشتق یا مرکبند یعنی قواعد پسوندها و پیشوندها و ساختمانهای ترکیبی .

۳ - علوم و معارف زبان - نکته دیگر آنکه چون مواد زبان منحصر به عناصر دستوری آن نیست بلکه قسمت اعظم و مهم این مواد را عناصر لغوی آن تشکیل میدهد ، بنابراین

اطلاعات و معلومات نظری لازم برای زبان آموزی نیز منحصر به قواعد دستوری نیست بلکه این اطلاعات شامل تمام قواعد زبان و تمام معارف علوم زبانی است که دستور عم یکی از آنهاست از جمله مهمترین قواعد غیر دستوری که بکار معنی کردن لغات زبان و آموزش آنها می آید مبحث حقیقت و مجاز و باب معانی مجازیست که در قدیم شعبه ای از معانی و بیان و فنون بلاغت بوده است و امروز جزء قلمرو علم معنی شناسی است . باری دستور به کمک معارف دیگر زبانی می تواند ۱۰ تا ۲۰ درصد به زبان آموزی کمک کند و ما را در درست گفتن و درست نوشتن و بهتر آموختن زبان یاری دهد از این رو قواعد درست گفتن و درست نوشتن منحصر به قواعد دستوری نیست بلکه مجموعه معارف و علوم زبانیست . باری این معارف و علوم که به زبان آموزی کمک میکنند عبارتند از :

- ۱- قواعد رسم الخط ۲- دستور زبان و مسائل مربوط به آن یعنی واج شناسی و صرف و نحو
- ۳- معنی شناسی بخصوص مبحث حقیقت و مجاز آن ۴- معانی و بیان و بلاغت ۵- سبک شناسی ۶- زبان شناسی عملی ۷- تعلیم زبان به اهل زبان و بیگانگان ۸- تحول زبان ۹- گونه ها و سبک های زبان ۱۰- زبان و کارکرد و مواد آن ۱۱- وظایف و نقش های زبان در زندگی فردی و اجتماعی از قبیل ایجاد ارتباط ، آفرینش ادبیات ، استقرار وحدت ملی ، انتقال فرهنگ ۱۲- نسبت مسائل زبان ۱۳- تأثیر عوامل غیر زبانی در زبان مانند تأثیر ادبیات و ذوق ادبی ، سیاست ، اقتصاد ، مذهب ، وسایل ارتباطی جسمی ، فرهنگستان ، مدرسه ، احساسات شخصی ، برداشتهای غلط از زبان (مانند زبان پالک) ۱۴- رهبری زبان که بوسیله این کسان و این عوامل صورت می گیرد: شاعران و نویسندگان ، استادان و محققان زبان و زبان شناسان ، وسایل ارتباط جمعی ، معلم و مدرسه ، فرهنگستان ، دستگاه های دولتی و غیره ۱۵- ارتباط فرهنگها و زبانها با یکدیگر و مسائل مربوط به آن از قبیل قرض ، ترجمه ، زبان جهانی ۱۶- لغت سازی و گسترش زبان ۱۷- جامعه شناسی زبان ۱۸- زبان و نظریه ارتباط ۱۹- روانشناسی زبان ۲۰- مسأله صحیح و غلط در زبان ۲۱- حشو ۲۲- زبانهای جهان و تعداد آنها ۲۳- منشأ زبان ۲۴- لغت . بسیاری از این مباحث مانند معنی شناسی^۴ ، حشو ، زبانهای جهان ، منشأ زبان و بسیاری دیگر از شعب زبان شناسی بشمار میروند و برخی دیگر مثل معانی و بیان و فنون بلاغت چنین نیستند بعضی دیگر مانند روان شناسی زبان ، و جامعه شناسی زبان علوم بین بینی هستند یعنی علمی که زبان شناسی را با دانشهای دیگر مربوط می کنند .

از مباحث یاد شده آنها که بیش از همه برای زبان آموزی مفیدند عبارتند از : معنی شناسی و بخصوص باب معنی حقیقی و مجازی ، آواشناسی ، رسم الخط و املاء ، مبحث صرف دستور ، رابطه زبانها با یکدیگر ، تحول زبان ، یادگیری زبان .

در زبان آموزی در درجه اول معنی کلمات و عبارات مهم است بنابراین مباحثی که به معنی کردن و فهمیدن معنی صورتهای زبانی کمک می کند اهمیت بیشتری دارد مانند مبحث حقیقت و مجاز و ساختمان کلمات که به آن اشاره کردیم و در درجه دوم صورت خط و زبانست، مانند رسم الخط و ساختمان دستوری کلمات و عبارات به این سبب نحو و زبانشناسی ساختگرا برای تعلیم صورت و ساختمان زبان مفید است بشرط آنکه این صورتهای ساختمانها را با معنی آنها مربوط کنیم .

بنابراین اینکه دستور را تنها دانش نظری برای زبان آموزی بدانیم اشتباه بزرگ است زیرا لغت و معنی شناسی و مباحث معنایی برای زبان آموزی اهمیت بیشتری دارند مشروط بر آنکه خوب یاد داده شوند .

۴ - یادگیری زبان - مسائل یادگیری معمولاً بر دو قسم عمده هستند یکی مهارتهای عملی مانند رانندگی و زبان آموزی و شناکه بیشتر بر اساس فعالیت های جسمی انسان و پربایه عمل و تمرین قرار دارند و دیگر اطلاعات نظری مانند فیزیک ، شیمی ، ریاضیات که اغلب بوسیله فعالیت های ذهنی و روانی یعنی فعالیت حافظه و استدلال و تجزیه و تعمیم بدست می آیند اما باید دانست که یادگیری بین این هم داریم که هم جنبه مهارت عملی دارد و هم جنبه فعالیت نظری ، مانند جراحی و غیره . مهارتهای عملی اگر با دانشهای نظری توأم گردند بهتر آموخته می شوند مانند توأم شدن زبان آموزی با قواعد زبان و مقارن شدن تمرین رانندگی با دانستن آئین نامه آن . گفتیم زبان آموزی از مهارتهای عملیست و از راه گفتن و نوشتن و خواندن و قرار گرفتن در محیط زبان از طرفی با آگاهی از علوم و معارف زبانی و قواعد دستوری از طرف دیگر آموخته میشوند . علوم و معارف یاد شده به عنوان اطلاعات نظری زبان آموزی بکار میروند . باری زبانی که می آموزیم یا زبان مادریست یا زبان بیگانه . مراد از زبان مادری زبان کشور و مردمیست که انسان در کودکی در میان آنان زندگی می کند و زبان می آموزد و غرض از زبان بیگانه زبانی غیر از آن یعنی زبانی شیر از زبان مادریست .

آموزش زبان مادری - زبان مادری نیز گونه ها و اقسامی دارد از قبیل زبان گفتار و زبان نوشتار و غیره .

یاد گرفتن زبان گفتار - فرا گرفتن زبان بوسیله کودک دو شرط عمده دارد که هر دو نیز تقریباً در هر کودکی هست مگر در موارد استثنائی از قبیل بیماری یا زندگی کردن در میان حیوانات یا افتادن در جنگل و یاد محیطی دور از جوامع انسانی . باری گفتیم زبان مادری مانند اکثر خصیصه ها و عادات انسانی از قبیل راستی ، شرافت ، دزدی ، حسد ، عشق ، شخصیت تحت تأثیر دو عامل آموخته میشود : وراثت و محیط .

عامل وراثت در زبان آموزی استعدادیست که در نهاد هر فرد انسانی به ودیعه نهاده شده است به این سبب پیشینیان انسان را حیوان ناطق نامیده‌اند یعنی حیوان سخنگو و متفکر چه سخن گفتن مستلزم متفکر بودن نیز هست بنابراین ناطق در تعبیر «حیوان ناطق» به معنی سخنگوست و هم به معنی متفکر. استعداد زبان آموزی که خاص آدمی است او را قادر می‌کند که با سرعت زیادی دستگاه پیچیده و ژرگان و دستور زبان مادری را در اندک مدتی فراگیرد بطوری که کودک تا ۳ سالگی بدون خواندن کتاب دستور هشتاد درصد ساختمان دستوری زبان گفتار خود را می‌آموزد و آن را درست بکار می‌برد و بقیه قواعد دستوری این گونه از زبان را در سنین بالاتر می‌آموزد. این دوران یعنی دوران زود آموزی زبان یادوران داشتن استعداد شکر ف زبان آموزی تا سنین معینی است و تا سن ۱۲ سالگی است به این سبب بهترین موقع آموختن زبان مادری و بیگانه و هم چنین بهترین هنگام یاد گرفتن زبان نوشتار در همین دوران است یعنی از یک سالگی تا ۱۲ سالگی. از ۱۲ سالگی به بعد که استعداد زود آموزی زبان از میان می‌رود و فرا گرفتن زبان که محسوسا زبان بیگانه خواهد بود به کندی و طبق اصول دیگری صورت می‌گیرد یعنی طبق اصول و ضوابطی که متخصصان زبان شناسی عملی و روان شناسی و تعلیم و تربیت برای یاد گیری زبان بیگانه ذکر کرده‌اند. البته هر چه از ۱۲ سالگی دورتر رویم و هر اندازه سن آدمی بیشتر شود یاد گرفتن زبان برای او دشوارتر می‌گردد بنابراین بهتر است آموزش زبان مادری و بیگانه را هر چه زودتر آغاز کنیم.

گفتیم کودک قسمت عمده ساختمان دستوری زبان گفتار و تعدادی از لغات زبان اطرافیان خود را تا پیش سالگی به سرعت و تحت تأثیر استعداد نهانی خود می‌آموزد و به بخش بزرگی از زبان گفتار تسلط می‌یابد. با رفتن به مدرسه به آموختن گونه نوشتاری زبان مادری می‌پردازد و اگر در دوره دبستان معلمان و محیط تربیتی خوبی داشته باشد به زبان نوشتار و قسمت عمده ساختمان دستوری آن نیز تسلط می‌شود همانطور که عامل تسلط بر زبان گفتار گفتنی و شنیدنیست عامل عمده تسلط بر زبان نوشتار و ساختمان دستوری آن نیز خواندن نمونه‌های پذیرفته و فصیح و شیوای زبان و نوشتن طبق آن نمونه‌هاست که ما آن را زبان رسمی یا زبان پذیرفته یا زبان مشترك یا زبان معیار، یا زبان فرهنگی یا زبان ممتاز می‌گوئیم. و مهمترین و ارزنده‌ترین گونه‌های زبانست زیرا برخلاف لهجه‌های محلی که به گروه محدودی تعلق دارد وسیله ارتباط بین تمام افراد یک ملت است در گذشته و حال. بنابراین کودک قسمت عمده ساختمان دستوری زبان گفتار و نوشتار را تحت تأثیر استعداد ذاتی خود می‌آموزد و زبان خود را درست هم بکار می‌برد و معلم و راهنمای او درین امر تمرین در گفتن و شنیدن و با خواندن و نوشتن است نه کتابهای دستور و قواعد دستوری و

زبان‌شناسی . از اینجاست که درمی‌یابیم کتابهای دستور به‌تنهایی عامل درست گفتن و درست نوشتن نیست بلکه فقط به‌این کار کمک می‌کند و قواعد دستور ممکنست در آموزش آن قسمت از زبان که از راه تمرین و ممارست آموخته نشده است مؤثر باشد .

عامل دوم زبان آموزی - در آنچه گفتیم کم‌وبیش به‌عامل دوم زبان آموزی نیز اشاره شد یعنی عامل محیط ، زیرا در محیط کودک زبان حاضر و آماده‌ای وجود دارد که اطرافیان او به آن سخن می‌گویند و بدون این زبان آماده یاد گرفتن زبان ممکن نیست زیرا استعداد ذاتی زبان آموزی به‌تنهایی برای یادگیری زبان کافی نیست از طرفی زبانی که در محیط ما وجود دارد یکی از بنیادهای اجتماعیست . و مانند هر بنیاد اجتماعی دیگری طبق نظر امیل دورکیم به‌فرد تحمیل میشود .

البته بدون استعداد فرا گرفتن زبان آموزی ممکن نیست زیرا حیوانات اهلی مانند سگ و گربه و کبوتر و گوسفند که در میان ما انسانها بسر می‌برند چون استعداد یادگیری زبان ندارند هرگز زبان نمی‌آموزند و ماهر چه بامک یا گربه یا قناری سخن بگوئیم جوابی نخواهیم شنید زیرا آنها قابلیت این کار را ندارند حتی میمون و شمپانزه که ساختمان بدنی و مغزی آنها بیش از هر حیوانی به‌انسان نزدیکست نمیتواند از انسان زبان بیاموزد .

باری استخوان بندی زبان مادری تا ۱۲ سالگی بسته میشود و از آن تاریخ به‌بعد زبان تحت تأثیر شنیدن و سخن گفتن و خواندن و نوشتن بتدریج غنی میشود ولی کار اصلی زبان آموزی تا همان ۱۲ سالگی تمام شده است .

اینک پس از این مقدمات به‌شرح فوائد و هدفهای دستور و علوم و معارف زبان می‌پردازیم .



دستور زبان چه سنتی و چه بر اساس زبان‌شناسی جدید اگر بسر پایه اصول صحیح و روشهای نوین علمی تدوین شده باشد فواید بسیاری دارد . البته آنطور که پیشینیان می‌پنداشته‌اند مهمترین عامل زبان آموزی نیست یعنی دستور زبان امروز دیگر « فن درست گفتن و درست نوشتن » نیست اما با درست نویسی و درست آوایی زبان هم بی‌ارتباط نمی‌باشد . باری دستور زبان و علوم زبانی علاوه بر زبان آموزی در موارد دیگر هم بکار می‌آید که جمماً میتوان این موارد را به‌عنوان فایده علوم زبانی و دستور چنین ذکر کرد :

- ۱- زبان آموزی ۲- تثبیت زبان و جلوگیری از تحول هرج و مرج آفرین آن ۳- نقد ادبی و عروض ۴- کمک به‌علوم دیگر زبان و فرهنگ نویسی ۵- بالا بردن اطلاعات عمومی ۶-

رهبری زبان مردم ۷- لغت‌سازی و گسترش زبان. اینک فوائد و هدفهای دستور را یکی یکی شرح می‌دهیم :

۱- دستور زبان و علوم و معارف زبانی و زبان‌آموزی- دستور زبان و علوم و معارف زبانی شناخت زبان را آسان تر می‌سازند و در نتیجه به زبان‌آموزی کمک می‌کنند بخصوص در تعلیم زبان به خارجی‌ان و دانشجویان زبانهای قدیم تأثیر بسیاری دارند. فائده علوم زبانی و دستور برای نویسندگی و شاعری مانند فائده زیست‌شناسی و طب است برای رعایت بهداشت بدن زیرا بدن انسان بدون اطلاع، از علوم زیستی هم کارگرددش خون و هضم غذا را انجام می‌دهد اما آگاهی ما از این علوم موجب می‌شود که بدن خود را یاری دهیم تا کارهای خود را بهتر انجام دهد برعکس غفلت و جهل نسبت به علوم یادشده ابتلای به بیماری را تسهیل می‌کند. علوم زبانی نیز چنینند مردم بدون آگاهی از این علوم هم در بیشتر موارد زبان خود را درست بکار می‌برند اما اطلاع از این دانشها سبب می‌شود که این کار را بهتر انجام دهند و مختصر اشتباهات گفتاری و نگارشی خود را هم برطرف کنند. بنا بر این دستور و علوم زبانی برای زبان‌مانند زیست‌شناسی و بهداشت است برای بدن و غلط نویسی و غلط گوئی نیز در واقع بیماریهای زبانیست که علت آن گاهی رعایت نکردن و ندانستن علوم زبانیست. دیدیم که آموختن زبان از دوراه باید صورت گیرد یکی تمرین و آموزش مهارتهای عملی که اساس کار است و این کار مانند تمرین رانندگی است که نقش مهمتری در یاد گرفتن رانندگی دارد و دیگر داشتن اطلاعات نظری است که در حکم آگاهی از آئین نامه رانندگی است و این اطلاعات نظری برای زبان‌آموزی چیزی جز دستور و علوم و معارف زبانی نیست. باری پس یکی از مهمترین فواید دستور و علوم و معارف زبان کمک کردن به زبان‌آموز است و از آنجائی که زبان‌آموزی جنبه‌های مختلفی دارد و آن را به اقسامی میتوان تقسیم کرد باید نقش دستور و علوم و معارف زبان را در هر يك از جنبه‌ها و جلوه‌ها یکی یکی بررسی کرد. این جنبه‌ها و جلوه‌ها عبارتند از : ۱- فرا گرفتن زبان مادری ۲- یادگیری زبان خارجی.

الف - نقش دستور و علوم و معارف زبانی در آموزش زبان مادری- می‌دانیم زبان مادری خود گونه‌ها و جلوه‌های مختلفی دارد که نقش دستور و علوم و معارف زبانی در آموزش هر يك از آنها متفاوت است. مادر اینجا به سه گونه از آنها اشاره می‌کنیم : ۱- زبان گفتار، ۲- زبان نوشتار معاصر، ۳- زبان نوشتار قدیم.

يك - زبان گفتار و دستور و علوم زبانی - دستور و علوم و معارف زبانی در آموزش زبان گفتار هیچ تأثیری نداشته و ندارد زیرا كودك تا سن شش سالگی قسمت اعظم ساختمان دستوری زبان گفتار خود را می آموزد بدون آنكه خواندن و نوشتن بداند و بتواند به كتابهای دستور مراجعه كند و انگهی کسی تاكنون به فكر آموختن زبان گفتار از راه دستور نبوده است و همچنین کسی كتابی هم در این زمینه یعنی در زمینه تعلیم دستور زبان گفتار به كودك ننوشته است در حالی كه همه مردم زبان گفتار خود را آموخته اند .

دنباله دارد

1- Closed Class-Word

2- Grammatical Word

3- Function Word

۴ - برخی معنی شناسی را علمی مستقل می دانند و آن را از شعب زبان شناسی نمی شمردند . در ادامه دامنه و قلمرو زبان شناسی بین اهل نظر اختلاف عقیده است ولی زبان شناسی به معنی عام شامل بیشتر مسائل و مباحثی که در بالا یاد کردیم میشود . برای آگاهی از اقسام زبان شناسی و دستور به مقدمه دستور امروز از صفحه شانزده بپس رجوع کنید .

5- Institutions – Sociales یا Social – Institions

راستی و رز و رستگاری بین

- | | |
|-------------------------------|--------------------------------|
| راستی کس که راستان رستند ، | در جهان راستان قوی دستند . |
| قول و فعل او تا نگرود راست ، | هر چه خواهی نمود جمله هب است . |
| گور و گورگرنه ای ز جاه مترس ، | راست باش و ز میسر و شاه مترس . |
| تاتو باشی ، ز راستی مگدر ، | مکش از خط راستکاران سر . |
| راستی و رز و رستگاری بین ، | پارشو خلاق را دیاری بین . |
- «از جامم اوحدی»